

تشکیل هسته مرکزی «سازمان آباد خواهان میهن» 1331 خورشیدی

در نیمه دوم عصر بیست میلادی تحولات اجتماعی ، اقتصادی و نظامی اعظمی در جهان و بخصوص منطقه رونما گردید ، آغاز و پایان جنگ دوم جهانی سیمای جهان را کاملاً تغییر داد، اروپا با کشیدن خط قرمز «دیوار» برلین عملاً به دو بلوک شرق و غرب



زنده یاد عبدالروف ضیا زاده
یکی از بنیانگذاران سازمان
آبادخواهان میهن

تقسیم گردید ، پیمان های ناتو، وارسا ، سینتو یکی بعد دیگری ایجاد شدند. جنبش های آزادیبخش ملی در آسیا - آفریقا و امریکای لاتین راه های انقلابات ملی و دموکراتیک را در این سه قاره از قبل هموار ساخت ، جنگ ها و انقلابات عادلانه و غیر عادلانه در کشورهای ویتنام، چین، کوریا، کوبا ، الجزایر و فلسطین بر شانه های مردمان آزادی خواه و تجدد طلب این کشور ها تحمیل گردید، کشور های هندوستان، سریلانکا

به استقلال سیاسی دست یافتند ، حکومت ملی داکتر مصدق در ایران تاسیس شد و صنعت نفت در آن کشور ملی گردید ، کشور های اسرائیل و پاکستان در نقاط اساس سوق الجهشی جغرافیای جیوپولیتیک منطقه عرض اندام نمودند . در داخل کشور در ماه می سال 1946 بعد از گذشت یک دوران طولانی اختناق و ترور کابینه جدید شاه محمود خان تشکیل گردید که تا اندازه موقعی مناسب تری را به یک سلسله آزادیهای اجتماعی و سیاسی فرا هم ساخت ؛ در همین سال ها بود که شاه برای اولین بار بیک مقدار کار های به اصطلاح دموکراتیک برای قشر جوان و نسل نو کشور دست زد. اصولنامه مطبوعات در سال 1951 شکل قانونی گرفت ، اصول نامه انتخابات و کلای شورا نافذ شد) (1952) و صدر اعظم به ارزشهای جهانی حقوق بشر لبیک گفت ،

بورژازی ملی آهسته آهسته راه خود را از مرکز به شهر های هرات ، قندهار ، مزار شریف ، بغلان ، شبرغان ، جلال آباد و قندز باز نمود . در نتیجه تحولات و جریانات اجتماعی جهان و منطقه بویژه ایران - هند - ترکیه چین و موجودیت یک امپراطوری بزرگ ، مجهز با ایدیولوژی و تفکرات مارکسیستی - لنینیستی در سرحدات شمالی کشور از یکطرف و از جانب دیگر نقش اندیشه ها و نظریات شخصیت های بزرگ سیاسی منطقه و جهان از قبیل گاندی ، جواهر لعل نهرو ، لنین ، استالین ، ماؤتسه دون ، چگوارا ، جمال عبدالناصر ، داکتر مصدق ، صدرالدین عینی ، مصطفی کمال ، حسن البنا ، محمدعلی جناح ، سید قطب و محمد قطب و دیگر رجال سیاسی و فرهنگی تاریخ همه اینها یک سری از عوامل و حوادث اند که بصورت مستقیم و غیر مستقیم مثبت یا منفی در تحولات سیاسی و اقتصادی و نظامی افغانستان نقش بارز و برجسته داشته و دارند . در چنین شرایطی بود که تخمه های سالمی نظریه های نهضت روشنگری در کابل و بعضی از شهر های افغانستان جوانه زد . روشنفکران تجدد طلب و عدالت خواه ، تشنه آزادی و دموکراسی ، پیشرفت و ترقی ، با پیروی از نظریات پیشرونده جوانان بیدار و آگاه کشور های منطقه اولین تشکل ها و سازمان های سیاسی را اساس گذاری نمودند ، در میان ، حلقات سیاسی دولتی و درباری نیز به فعالیت های خویش آغاز نمودند . از جمله احزاب و جریان های سیاسی زیر را ایجاد نمودند : گوند مردم ، ویش زلمیان ، کلوب وطن ، جوانان مسلمان ، جمعیت وطن ، ندای خلق ، سازمان نوری ، سازمان آباد خواهان میهن ، جمعیت خراسان و دیگر جریان های سیاسی بعدی .

در چنین اوضاع و احوال بروز هفتم حمل 1331 خورشیدی عده از شخصیت های ملی مردمی و تجدد خواه کشور با جمعی از جوانان آگاه هسته مرکزی کمیته هفت نفری اولین سازمان سیاسی مردمی را در ناحیه دوم شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان اساس گذاری نمودند که نام آنرا « سازمان آباد خواهان میهن » گذاشتند . شخصیت های که در این حلقه حضور داشتند عبارت بودند از ، ضیاالدین حافظی ، عبدالروف و ترانچی ضیا زاده ، عبدالعزیز کوشانی ، حاجی شمس الدین ذکی ، عبدالرحیم زرگر ، عبدالغفور سوزن و جوان ترین آن جمع ،

محمد ظاهر بدخشی بود که هژده سال عمر داشت. این شخصیت های ملی فرهنگی اولین کسانی بودند که هسته مرکزی کمیته کاری سازمان آبادخواهان میهن را رهبری می کردند و ریاست آن را عبدالروف ضیازاده به عده گرفته بود. چندی بعد عده دیگری از شخصیت های ملی فرهنگی آن منطقه از قبیل محمد هاشم واسوخت ، صوفی عبدالرشید بهارستانی ، عبدالمجید سلام ، محمد ذاکر واسوخت ، الحاج مصطفوی به این روند پیوستند.

در آن زمان در اطراف و ولایات کشور مراکز تعلیمی و دانشگاهی وجود نداشت مردم اکثراً فرزندان خود را برای کسب دانش و ادامه تحصیل به کابل میفرستادند ، جوانان در جریان تحصیل با استادان و دانش آموزان دیگر اندیش و تجدد خواه در مرکز آشنا شده و چیزهای جدید را از آنها می آموختند ، بخصوص نقش استادان ترک و هندوستانی در بالا بردن اذهان جوانان و دانش آموزان از اهمیت بزرگی برخوردار بود. استادان خارجی با خود افکار و اندیشه های مترقی ، دمکراتیک ، لیبرال و نیمه لیبرال اروپایی را انتقال میدادند که مدت ها قبل در هند و ترکیه و ایران راه خویش را در جهان سیاست باز نموده بود، از جانب دیگر آثار و ادبیات عرفانی و مترقی که از ایران وارد کشور می شد تحولات شگرفی در افکار و اندیشه های جوانان بوجود آورده بود. در این میان نقش فعال روشنگرانه ضیاییان و نورین ولایات شمال الشرق چون سید عبدالکریم حسینی «مشهور به قاری صاحب میا» سید عبدالله ضمنی ، مغموم دروازی، شاه عبدالله یمگی بدخشی ، سیدمحمد دهقان، وکیل عبدالجبار «عاشق دین» (که اندیشه های شان از سرچشمه های خروشان نهضت های سیاسی و فرهنگی معارف پروران بخاراییان جوان و جدیدی های پان دریا و مشروطه خواهان کشور سیراب میشد)، در شکل گیری این جریان بی تأثیر نبوده و قابل درک است.

سازمان آبادخواهان میهن در شرایطی بوجود آمد که نه قانون احزابی وجود داشت ، نه قانون اساسی که جواب گوی خواسته های دمکراتیک و مردمی جوانان تحول طلب و آزادی خواه باشد و نه مردم باسواد و آگاه که از حقوق و آزادی های شهروندی و انسانی خویش دفاع کرده بتوانند. بنأ سازمان آبادخواهان میهن به مثل دیگر سازمان های سیاسی بشکل

مخفی کار و فعالیت می نمود، زیرا عناصر و اسپگرا، ارتجاعی و وابسته به استخبارات وقت مانع بزرگی در راه فعالیت های سیاسی و اجتماعی آنها میشدند، حکومت اگر عمل و فعالیت روشن فکران را مطابق میل خود نمی دانست قهراً به سرکوب آنها پرداخته و عکس العمل شدید نشان می داد اعضای فعال سازمان ها و حلقات سیاسی را از کار سبک دوش نموده و زندانی می ساخت. چنانچه مرحوم بدخشی دریکی از سخنرانی های خود در پارک زرنگار کابل گفته بود: اگر در کابل دمکراسی نیم بند از طرف حکومت اعلان گردیده، در اطراف و ولایات بکار بردن کلمه دمکراسی جرم بزرگی به حساب می رود. شخصیت های که در این سازمان جمع آمده بودند از جمله معارف پروران و اهل دانش و سیاست بودند، مقالات و نوشته های انتقادی و طنزگونه شان در اخبار و مجلات و روزنامه های کابل، بغلان، تخار و بدخشان ... به نشر رسیده است.

اهداف مرامی این سازمان، بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مردم از راه اصلاحات و از طریق ایجاد یک اپوزسیون قوی پارلمانی در برابر حکومت داران فاسد بود، نه از راه قهرآمیز و روش های مسلحانه.

سه چیز در سرخط خطوط اساسی برنامه کاری سازمان آبادخواهان میهن مشخص شده بود: یکی مبارزه بر ضد حکومت داران فاسد و عناصر ارتجاعی و وابسته به آنها که در اطراف و ولایات مانعی بزرگی در راه پیشرفت و ترقی محسوب می شدند، دو تأمین بهبود وضعیت رفعت بار «بیسوادی» جامعه از طریق ایجاد مکاتب و مدارس عصری دخترانه و پسرانه، سه تأمین عدالت اجتماعی در ولایات بدون در نظر داشت روابطی زبانی، سمتی و قومی. برای عملی نمودن موارد فوق نخبگان سازمان آبادخواهان میهن و متحدین آن در انتخابات شورای ملی و شاروالی ها «شهر داری» فعالانه اشتراک میکردند. سید محمد دهقان، عبدالعزیز کوشانی. وکیل عبدالجبار «عاشق دین» در دوران های مختلف بحیث وکیل در شورا انتخاب گردیدند و عبدالروف ضیازاده برای دو دوره از طرف مردم بدخشان به صفت شهردار فیض آباد انتخاب گردید. وکلای انتخاب شده در شورای ملی با سخن رانی های پر شور

و انتقادی خودبخاطر بهبود وضعیت نا بسامان مردم اطراف پایه های حاکمان فاسد را به لرزه در آورده و جنایات آنها را بر ملا ساختند.

در فرجام یک نکته را باید خاطر نشان کرد که نقش سازمان آبادخواهان میهن در تحولات سیاسی و فرهنگی نسل های آینده از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به مثابه سنگ بنای نهضت روشنگری در مبارزه با بی سوادی بی عدالتی، فقر و مریضی، پیش زمینه های بزرگی سیاسی و فرهنگی نهضت روشنگری نسل های بعدی را بنیاد نموده است.

با تأسف تا اکنون چیزهای که در مورد جنبش روشنگری و سایر عرصه های اجتماعی و سیاسی نوشته شده است اکثراً فقط به شهر کابل و یک دو شهر بزرگ دیگر خلاصه شده است و بس.

امید در آینده به همت پژوهشگران و دانشمندان محترم کشور، کارهای بهتر و مثمری در زمینه های مختلف گوشه های فراموش شده تاریخ و جغرافیایی سیاسی و فرهنگی کشور عزیزمان افغانستان صورت گیرد.

ملت که تاریخش را خودش نمی نویسد، بدون شک سر نوشتش را دیگران رقم خواهند زد!

منابع :

صحبت تلفونی با محترم محمد نذیر حباب یکی از شخصیت های سیاسی و دیپلمات سابقه دار افغانستان.
یاد داشتهای مرحوم عبدالروف ضیازاده .
یادداشتها و نامه های مرحوم محمد طاهر بدخشی.
ظهور و زوال حزب دمکراتیک خلق افغانستان نوشته محترم اکادمسین دستگیر پنجشیری .

ضیا بهاری